

دانشگاه باقر العلوم (ع)

پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی

عنوان:

قشر بندی اجتماعی

در

اندیشه امام خمینی (ره)

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر جمشیدیه

استاد مشاور:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر خانمحمدی

دانشجو:

مجتبی روحانی زاده

تقدیم به

روح ملکوتی پدر بزرگوارم که وجودش چون کوه بزرگی بود که در مشکلات و ناملايماتِ زندگی به او تکیه می‌کردیم و چون سرو بلندی بود که در سایه‌اش آرمیده بودیم و بدون دغدغه‌ی جدی مشغول تحصیل علم بودیم، و اینک که چند سالی است سایه او را بر سر خود احساس نمی‌کنیم به یقین دعای خیر او بدرقه‌ی راه دشوار زندگی‌مان خواهد بود.

تشکر و قدردانی

حمد و سپاس شایسته‌ی خدایی است که زمینه‌ی فراگیری علم و دانش را برای ما مهیا ساخت. سپاس و تشکر از همه‌ی اساتید گرانقدری که در طول دوران تحصیلی، زحمات زیادی را برایم متحمل شدند، به ویژه جناب آقای دکتر جمشیدیها که با نهایت دقت و حوصله و خلق نیکو، در تمام مراحل این پژوهش با راهنمایی‌های ارزنده‌ی خود مرا یاری فرمودند. هم چنین از استاد گرامی و روحانی معزز جناب آقای دکتر خانمحمدی نیز که با تذکرات خود همواره در روند پیشرفت تحقیق مثمرثمر بودند تشکر و قدردانی می‌نمایم. در خاتمه جا دارد که از زحمات و همکاری‌های اعضای محترم گروه علوم اجتماعی به ویژه مدیریت محترم گروه جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر پارسانیا نیز قدردانی شود.

چکیده

در تحقیق حاضر، اندیشه امام خمینی (ره) به عنوان یکی از متفکران معاصر دنیای اسلام در زمینه قشربندی و نابرابری اجتماعی با هدف دستیابی به نگرش و الگوی مطلوب و مبانی فکری ایشان در باب قشربندی و ارائه طرّحی نظری برای کنترل یا کاهش نابرابری های اجتماعی در جامعه، مورد بررسی قرار گرفت.

در بحث از قشربندی اجتماعی سه دیدگاه کلی وجود دارد، نخست، دیدگاه کارکردگرایی، دوم دیدگاه تضاد و سوم، دیدگاه ترکیبی. در این تحقیق با استفاده از دیدگاه ترکیبی، دیدگاه امام خمینی (ره) را در مورد قشربندی اجتماعی بررسی کردیم.

روش تحقیق در پژوهش حاضر، روش اسنادی است.

با مراجعه به بیانات و آثار امام خمینی (ره)، شاخص هایی که طبق نظر ایشان نشان دهنده وجود طبقات و قشرهای مختلف در جامعه است قابل شناسایی است. از جمله این شاخص ها می توان مواردی هم چون شغل، خلق و خوی و خصوصیات فرهنگی مشترک، تحصیلات، مالکیت، ثروت و قدرت سیاسی را نام برد.

امام خمینی (ره)، با پذیرش اصل قشربندی اجتماعی در جامعه، راهکارهایی برای تعدیل آن ارائه می دهند.

ایشان عواملی از قبیل استعمار، سرمایه داری، آز و فرار از مالیات را عوامل به وجود آورنده نابرابری در جامعه تشخیص داده است.

امام خمینی (ره) در بیان راه های مقابله با قشربندی اجتماعی موارد زیر را مدّ نظر داشتند:

الف - عدم نفوذ ثروتمندان در حکمرانان، به خاطر مال و ثروت خود.

ب - حشر و نشر مدیران و کارگزاران نظام با فقرا و مستمندان.

ج - سیاست گذاری اقتصادی به نفع عامه مردم .

د - روی آوردن به اسلام ناب محمدی.

هـ - مبارزه با حکومت های استعماری.

و - پرداخت مالیات های اسلامی و کنترل ثروت.

ز - تربیت اسلامی و توجه به معنویات.

الگوی مطلوب امام خمینی (ره) از قشربندی اجتماعی که با بقیه عناصر فکری ایشان همخوانی دارد این است که تا حد کفاف، مساوات، و فراتر از آن عرصه رقابت در اثر بروز استعدادها و توانایی ها است.

در زمینه ریشه های فکری ایشان در مورد قشربندی اجتماعی، می توان مواردی از قبیل اصل اعتقادی توحید، آموزه های قرآن کریم و استناد به کلام و سیره عملی پیشوایان بزرگ دین، خاصه رسول گرامی اسلام را برشمرد.

کلید واژه ها

امام خمینی (ره)، قشر اجتماعی ، قشربندی اجتماعی، شاخص های قشربندی اجتماعی، الگوی

قشربندی اجتماعی، عدالت اجتماعی، ریشه های فکری امام خمینی (ره)

فهرست مطالب

1	فصل اول: کلیات
2	1-1- مقدمه
3	2-1- بیان مسأله
7	3-1- اهمیت موضوع و ضرورت تحقیق
8	4-1- سؤالات تحقیق
8	5-1- هدف تحقیق
9	6-1- روش تحقیق
10	7-1- روش و ابزار گردآوری اطلاعات
11	8-1- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات
11	9-1- تعریف مفاهیم
	1-9-1- قشر اجتماعی 12
	2-9-1- قشر بندی اجتماعی 14
17	فصل دوم: ادبیات تحقیق
18	1-2- پیشینه تاریخی پژوهش
	فصل سوم: مفاهیم نظری
	1-3- مقدمه
	2-3- دیدگاه‌های نظری
	1-2-3- دیدگاه کارکردگرایی
	3-1-2-3- دیویس و مور
	4-1-2-3- فردریک هایک
	5-1-2-3- جمع بندی دیدگاه کارکردگرایی
	6-1-2-3- انتقاد بر کارکردگرایی
	2-2-3- دیدگاه تضاد (ستیزگرایی)

Error! Bookmark not defined. 1-2-2-3 کارل مارکس

Error! Bookmark not defined. 2-2-2-3 اریک اولین رایت

Error! Bookmark not defined. 3-2-2-3 دارندورف

Error! Bookmark not defined. 4-2-2-3 جمع بندی دیدگاه تضاد

Error! Bookmark not defined. 5-2-2-3 انتقاد بر نظریه ستیزگرایی

Error! Bookmark not defined. 6-2-2-3 مقایسه‌ای میان دو نظریه کارکردگرایی و ستیزگرایی

not defined.

Error! Bookmark not defined. 3-2-3 دیدگاه ترکیبی

Error! Bookmark not defined. 1-3-2-3 گرهارد لسنکی

Error! Bookmark not defined. 2-3-2-3 اسوفسکی

Error! Bookmark not defined. 3-3-2-3 ماکس وبر

Error! Bookmark not defined. 4-3-2-3 فرانک پارکین

Error! Bookmark not defined. 5-3-2-3 گیدنز

Error! Bookmark not defined. 3-3 جمع بندی کلی

Error! Bookmark not defined. فصل چهارم: قشربندی اجتماعی از منظر امام خمینی

Error! Bookmark not defined. 1-4 مقدمه

Error! Bookmark not defined. 2-4 شاخص های قشربندی اجتماعی

Error! Bookmark not defined. 1-2-4 شغل

Error! Bookmark not defined. 2-2-4 خلق و خوی و خصوصیات فرهنگی مشترک

defined.

Error! Bookmark not defined. 3-2-4 تحصیلات

Error! Bookmark not defined. 4-2-4 مالکیت و ثروت

Error! Bookmark not defined. 5-2-4 قدرت سیاسی

Error! Bookmark not defined. 3-4 حدود قشربندی اجتماعی

Error! Bookmark not defined. 4-4 عوامل به وجود آورنده نابرابری

Error! Bookmark not defined. 1-4-4 استعمار

[Error! Bookmark not defined.](#) سرمایه‌داری 2-4-4

[Error! Bookmark not defined.](#) آز 3-4-4

[Error! Bookmark not defined.](#) فرار از مالیات 4-4-4

[Error! Bookmark not defined.](#)..... راه‌های مقابله با نابرابری اجتماعی 5-4

[Error! Bookmark not defined.](#) سازمان دهی اصولی و به کارگیری افراد صالح 1-5-4

[defined.](#)

[Error! Bookmark not defined.](#) عدم نفوذ ثروتمندان در حکومت 2-5-4

[Error! Bookmark not defined.](#) حشر و نشر مدی‌ران با فقرا 3-5-4

[Error! Bookmark not defined.](#) جهت‌گیری برنامه اقتصادی به نفع عامه مردم 4-5-4

[defined.](#)

[Error! Bookmark not defined.](#) 5-5-4 گرایش به اسلام ناب محمدی

[Error! Bookmark not defined.](#) 6-5-4 مبارزه با حکومت‌های استعماری

[Error! Bookmark not defined.](#) 7-5-4 پرداخت مالیات‌های اسلامی و کنترل ثروت

[defined.](#)

[Error! Bookmark not defined.](#) 8-5-4 تربیت اسلامی و توجه به معنویات

[Error! Bookmark not defined.](#)..... الگوی قشربندی اجتماعی 6-4

[Error! Bookmark not defined.](#) ریشه‌های فکری امام خمینی در زمینه نابرابری اجتماعی 7-4

[Error! Bookmark not defined.](#)..... فصل پنجم: نتیجه‌گیری 6-4

[Error! Bookmark not defined.](#)..... 1-5- نتیجه‌گیری 5-1

[Error! Bookmark not defined.](#)..... منابع و مأخذ 4-5

فصل اول:

کلیات

1-1- مقدمه

ایده قشربندی، ریشه در کتاب مقدس، تفکر یونانیان و متون اصیل مذهبی هندیان و چینی‌ها دارد. این ایده در شکلی نسبتاً ساده و ابتدایی تداوم یافته تا به نظریه‌های مارکسیستی رسیده است. در تاریخ تکامل نظریه قشربندی اجتماعی، مارکس نقش کوپرنیک گونه دارد زیرا تصوّر او از قشربندی اجتماعی در تقابل با همه تصورات متداول پیشین در این زمینه، بر اهمیت اساسی موقعیت فردی یا گروهی در ساختار اقتصادی، به عنوان معیار قشربندی تأکید می‌نهد.

پس از مارکس، چهره مهم بعدی در تاریخ نظریه قشربندی اجتماعی ما کس وبر است. در دوره معاصر، پیشرفت‌های مفهومی در نظریه قشربندی، به طور چشمگیری ناشی از کارهای پارسونز و دیویس و مور بوده است.¹

در کنار دیدگاه‌های این اندیشمندان، هم چنین می‌توان دیدگاه‌های برخی از اندیشمندان مسلمان را نیز مد نظر قرار داد.

قشربندی اجتماعی در رایج‌ترین برداشت، مفهومی جامعه‌شناختی است که اشاره به واقعیتی دارد که مطابق آن، هم افراد و هم گروه‌های متشکل از افراد، به عنوان عوامل تشکیل دهنده قشرها یا

¹. سی‌مورمارتین لی‌پست و دی‌گران، جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی،

ترجمه جواد افشارکهن، مشهد: نشرنی‌کا، 1381، ص 9-14.

طبقات تمایز یافته بالا یا پایین پنداشته می‌شوند. فرآیند تمایزگذاری بر اساس برخی ویژگی‌های کلی یا خاص و یا مجموعه‌ای از ویژگی‌ها صورت می‌گیرد. نشانه‌های وجود گوناگونی و تفاوت در درون جوامع انسانی را می‌توان در کهن‌ترین اقوام شناخته شده یافت.

علی‌رغم دشوار بودن تمایزگذاری میان حوزه مباحث اخلاقی و ایدئولوژیک و حوزه تحلیل علوم اجتماعی، پیشرفت‌های قابل توجهی، هم در زمینه نظری و هم در زمینه تجربی در طول یکصد سال اخیر در زمینه مطالعات مربوط به قشربندی اجتماعی رخ داده است.

این تحقیق در پنج فصل تنظیم شده است که فصول آن به ترتیب عبارتند از: 1- کلیات 2- ادبیات تحقیق 3- مفاهیم نظری 4- قشربندی اجتماعی از منظر امام خمینی (ره) و 5- نتیجه‌گیری.

1-2- بیان مسأله

همانطور که در مقدمه ذکر شد وجود گوناگونی‌ها و تفاوت‌ها در درون جوامع انسانی و در روابط میان آنها، اگر ذاتی جوامع بشری نباشد دست کم نشانه‌های آن را می‌توان در کهن‌ترین اقوام شناخته شده یافت.

جهانی بودن نابرابری اجتماعی، چنین القا می‌کند که در ساختار اجتماعی، ویژگی‌های عمومی وجود دارد که منشاء این نابرابری است. از سوی دیگر گوناگونی صورت، کارکرد و میدان عمل نابرابری‌ها آن قدر زیاد است که از آن می‌توان نتیجه گرفت که این ویژگی‌ها یک شکل نیستند، لذا می‌توان تصور کرد که جوامع انسانی بر روی پیوستاری فرضی قرار گرفته‌اند که در یک حد نهایی آن، برابری کامل و در حد نهایی دیگر، نابرابری کامل وجود دارد. چنین موقعیتی ایجاب می‌کند که پژوهشگر اجتماعی وضعیت‌هایی را تحلیل کند که در آنها، صورت‌ها و درجات متفاوتی از نابرابری به وجود می‌آید و توسعه می‌یابد و نیز بر عهده اوست که پیامدهای این نابرابری را در جوامعی که

.....
دستخوش آن هستند نشان دهد.^۱

امروزه پدیده نابرابری به عنوان پدیده‌ای اجتماعی در همه جوامع به طور فراگیر حضور خود را نشان می‌دهد، این پدیده از هنگام تشکیل جامعه در شکل ابتدایی آن تا به حال، اشکال گوناگونی به خود گرفته است.^۲

نابرابری، یکی از جنبه‌های عمومی و همیشگی جوامع انسانی بوده و همه جوامع شناخته شده بشری، به نوعی دارای سلسله مراتب بوده‌اند. از گذشته دور تاکنون، در همه جوامع بشری، نابرابری‌های اجتماعی وجود داشته است و برخی از اندیشمندان، به این نابرابری، به دیده مشکل نگریسته‌اند.

در این میان، نحوه برخورد متفکران و اندیشمندان دنیای اسلام با این مسأله، در خور توجه می‌باشد که در اینجا به نظرات برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

امام محمد غزالی به عنوان یکی از نمایندگان نگرش اسلامی، منشأ طبقات و اقشار اجتماعی را با تقسیم کار اجتماعی یکسان می‌گیرد و می‌نویسد:

«اصل دنیا سه چیز است، طعام و لباس و مسکن. اصل صنعت که ضرورت آدمی است نیز سه چیز است، برزگری، جولاهی و بنایی و هر یک را فروع‌اند... پس حلاج و ریسنده و درزی و آهنگر و درودگر و خراز پیدا آمد و ایشان را به معاونت یکدیگر حاجت بود. پس میان ایشان معاملات پدید آمد که از آن، خصومت‌ها برخاست. پس به سه نوع دیگر حاجت افتاد از صنعت، صنعت سیاست و سلطنت و دیگر صنعت قضا و حکومت و دیگر فقه که بدان قانون وساطت میان خلق بدانند.»^۳

^۱ . ملوین تاملین، *جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیگ

گوهر، چاپ سوم، تهران: نشر توتیا، 1381، ص 11.

^۲ . علی محمد قدسی، «نابرابری اجتماعی از دیدگاه امام خمینی»، *نامه پژوهش*، ش 8،

1377، ص 229.

^۳ . حسن ملک، *جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی*، تهران: انتشارات دانشگاه

ابن خلدون یکی دیگر از متفکرین مسلمان است که در این مورد نظراتی دارد.

به عقیده ابن خلدون، دو عامل متفاوت یعنی جاه (نفوذ یا قدرت) و ثروت در شکل دادن به سلسله مراتب اجتماعی نقش اساسی دارند. جاه عبارت است از: «قدرتی که برای بشر حاصل می‌شود و آن را دربارهٔ هموعان زیردست خود از راه اجازه دادن، منع کردن و تسلط بر آنان به قهر و غلبه به کار می‌برد تا ایشان را از روی عدالت به وسیلهٔ احکام و قوانین و شرایع یا سیاست به دفع مضار و جلب منافعشان وادار کند.¹

منشاء جاه و قدرت یا نفوذ، به عقیده ابن خلدون می‌تواند عنایت خداوندی (فرّه ایزدی) باشد که در این زمینه او به آیات قرآنی نیز استناد می‌جوید: «...و بعضی از آنان را بالای بعضی از مراتب بلند گردانیدیم تا برخی از ایشان برخی دیگر را به کار گیرند...» (سوره زخرف، آیه 31)

علاوه بر عنایت خداوندی که جنبهٔ عام دارد، عامل ثروت و نیز اشتهار به نیکی و صلاح نزد عامه و همچنین کسب جاه از صاحبان جاه و قدرت نیز موجب برخورداری فرد یا گروهی از جاه و قدرت می‌شود. شاید بتوان گفت تمایزی که ابن خلدون میان ثروت و جاه به عنوان دو عامل عمدهٔ قشربندی اجتماعی قائل می‌شود تا حدود زیادی یادآور تمایزی است که جامعه‌شناسان مانند وبر و پیروان او در زمینهٔ قشربندی اجتماعی میان طبقه (وضع اقتصادی) و منزلت (پایگاه اجتماعی) قائل می‌شوند.²

ابن خلدون همچنین با مطرح کردن اصل اجتماعی بودن انسان، تقسیم کار اجتماعی را علت تقسیم جامعه به طبقات و اقشار مختلف و نابرابر از لحاظ امتیازات عنوان می‌کند: «...این حکمت خداست در میان آفریدگانش که بدان معاششان منظم و مصالح زندگی آنان آماده می‌شود... زیرا وجود نوع انسان به کمال نمی‌رسد جز در پرتو تعاون افراد به یکدیگر تا از این راه مصالح زندگانی خویش را

پی‌ام نور، 1386، ص 43.

¹ . عبدالرحمن بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ج 2، ترجمه محمد پروین گنابادی، چاپ

نهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، 1379، ص 773.

² . حسن ملک، پیشین، ص 44 و 45.

تأمین کنند. چه ثابت شده است که وجود یک فرد خود به تنهایی ممکن نیست به مرحله کمال برسد...»¹

استاد مطهری هم به عنوان یکی از اندیشمندان اسلامی در این مورد مباحثی را مطرح می کند. از دیدگاه استاد مطهری، همه مردم از هر نظر در یک حدّ و یک مرتبه و یک درجه نمی توانند باشند و جامعه خود به خود مقامات و درجات دارد، از این نظر، مانند یک پیکر است. وقتی که مقامات و درجات دارد، باید تقسیم بندی و درجه بندی شود. راه منحصر، آزاد گذاشتن افراد و فراهم کردن زمینه مسابقه است. همین که پای مسابقه به میان آمد، خود به خود به دلیل این که استعدادها در همه و فعالیت ها و کوشش ها یکسان نیست، اختلاف و تفاوت به وجود می آید. مقتضای عدالت این است که تفاوت هایی که خواه ناخواه در جامعه وجود دارد تابع استعدادها و لیاقت ها باشد.

امام خمینی نیز به عنوان معمار تحولات انقلابی ایران، بی تردید بانی نحوه ای از تعامل با اقشار و گروه بندی های داخل جامعه بودند. این که وی به کرات ملت ایران را در کلیت آن مورد خطاب قرار می دادند هیچ گاه بدین معنا نبود که ایشان گوناگونی حیات اجتماعی در ایران را در نظر نداشتند. نظر امام خمینی (ره) در باره اقشار اجتماعی، انعکاسی از جایگاه ایشان در نظام سلسله مراتب اجتماعی، درکی از میزان رشد طبقات متوسط جدید و نیز حال و هوای انقلابی سال هایی است که مخصوصاً از دهه چهل به بعد طی کرده اند. تلقی از رتبه بندی ها و سلسله مراتب اجتماعی، انعکاسی از عوامل اجتماعی یاد شده و نتیجه ترکیب آنهاست.

اما عمدتاً تلقی حضرت امام از قشرها و طبقات اجتماعی، بسیار متأثر از تحولات بعد از انقلاب می باشد. به دیگر سخن، امام قشرها و دسته بندی های اجتماعی را براساس تحول بزرگی که در ایران پدیدار گشت، در نظر می گیرند.

در تحقیق حاضر، نویسنده بر آن است که به بررسی اندیشه امام خمینی (ره) به عنوان یکی از

³. عبدالرحمن بن خلدون، پی شین، ص 772

متفکران و اندیشمندان معاصر دنیای اسلام در زمینه قشربندی و نابرابری اجتماعی با هدف بررسی مبانی فکری و دستیابی به نگرش ایشان نسبت به قشربندی اجتماعی و ارائه الگوی مطلوب ایشان در مورد قشربندی پردازد.

1-3- اهمیت موضوع و ضرورت تحقیق

از گذشته دور تاکنون، در همه جوامع بشری، بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌های اجتماعی وجود داشته است. اهمیت بحث‌های نابرابری و قشربندی اجتماعی، بر هیچ اندیشمندی در هیچ نقطه جهان پوشیده نیست و نه تنها جامعه‌شناسان غربی علاقه شدیدی به بیان آن داشته‌اند، بلکه متفکران دیگر نقاط از جمله متفکران اسلامی نیز در بحث‌های خود به واکاوی این موضوع پرداخته‌اند.

همه ملت‌ها همان طور که از بی‌عدالتی رنج می‌برند، برای رسیدن به عدالت نیز کوشش می‌کنند و رهبران نهضت‌های سیاسی و امثال آنها نیز، غالباً بر روی مسأله نابرابری‌ها در جامعه تکیه می‌کنند و از فاصله طبقاتی موجود در جامعه استفاده کرده، مردم را به تحرک و انقلاب فرا می‌خوانند و گاه همین موضوع سبب می‌شود که شعور اجتماعی و سیاسی مردم بالا برود. نظری به زندگی سیاسی ملل دنیا این موضوع را کاملاً روشن می‌کند که تجربیات تاریخی آنها غالباً به نحوی متأثر از وجود شکاف‌های طبقاتی و شرایط و امکانات نامساوی جامعه است.

مسأله نابرابری‌ها، علاوه بر تجربیات تاریخی جامعه، در زندگی روزمره انسان‌ها نیز به طرق گوناگون اثر می‌گذارد.

برای جامعه ما که الگوها و مذهب آن، تأکید زیادی بر برقراری عدالت در میان انسان‌ها دارد، وجود معضل نابرابری اجتماعی امری تأسف‌بار است. هم‌چنین مسأله نابرابری، خود عاملی برای به وجود آمدن مسایل اجتماعی دیگر که با هنجارها و ارزش‌های اسلامی مخالف است، می‌شود؛ پس جبران و یا دست کم کاهش شدت نابرابری، نیازمند کوشش‌هایی است که چنین پژوهش‌هایی را الزامی می‌کند. و از آن جا که در جامعه، مسأله قشربندی اجتماعی و دیگر ابعاد آن در زمینه‌های

مختلف، دیده می‌شود؛ یافتن دلیل این مسأله و هم چنین روشن ساختن دیدگاه یکی از متفکرین معاصر اسلامی یعنی امام خمینی از ضروریات اصلی این پژوهش است. و از طرفی، امروزه بررسی تفکرات اجتماعی اندیشمندان مسلمان کاری آکادمیک است، و با توجه به این که امام خمینی بر عرفان اسلامی احاطه کامل داشتند و ضمن ورزیدگی در فلسفه صدرایی، در کنار ژبدهگی اصولی و فقهی، یکی از نادر اندیشمندان اسلامی در روزگار معاصر و از وارثین علوم اسلامی محسوب می‌شود، بررسی تفکرات اجتماعی ایشان برای دانش‌پژوه علوم اجتماعی در کشور ما کاری آکادمیک است.

1-4- سوالات تحقیق

سوالات مطرح شده در این پژوهش که به دنبال یافتن پاسخ‌های مناسبی برای آنها هستیم از قرار زیر است:

1- نگرش امام خمینی نسبت به قشربندی چیست؟ به عبارت دیگر، آیا ایشان اصل

قشربندی را قبول دارند یا نه؟

2- در صورت پذیرش قشربندی چه مدلی از قشربندی، مطلوب امام خمینی است؟

3- مبانی فکری امام خمینی در باب قشربندی چیست و ایشان اندیشه خود را بر چه

اساس و مبانی استوار می‌نمایند؟

1-5- هدف تحقیق

هدف ما از این تحقیق، پاسخگویی به سوالات تحقیق است تا براساس آنها، طرح نظری برای

کنترل یا کاهش نابرابری‌های اجتماعی در جامعه، مبتنی بر رأی امام خمینی ارائه دهیم.

1-6- روش تحقیق

دکارت روش را راهی می‌داند که به منظور دستیابی به حقیقت در علوم باید پیمود. در عرف دانش، روش را مجموعه شیوه‌ها و تدابیری دانسته‌اند که برای شناخت حقیقت و برکناری از لغزش به کار برده می‌شوند، به طور دقیق‌تر، روش به سه چیز اطلاق می‌شود:

- 1- مجموعه طرقی که انسان را به کشف مجهولات و حل مشکلات هدایت می‌کنند.
 - 2- مجموعه قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش واقعیات باید به کار روند.
 - 3- مجموعه ابزار یا فنونی که آدمی را از مجهولات به معلومات راهبری می‌نمایند.
- بدین قرار ملاحظه می‌شود روش، لازمه دانش است و هیچ دانشی بدون روش قابل تصور نیست. از جمله ویژگی‌های اساسی هر روش می‌توان به مواردی از قبیل انتظام، عقلانی بودن، روح علمی، واقعیت‌گرایی و شک دستوری اشاره کرد.¹
- بعبارت دیگر «مراد از روش تحقیق شیوه تتبع و گردآوری اطلاعات لازم در خصوص موضوع تحقیق و نیز طریق تدبیر و اندیشه‌ورزی بر روی آن اطلاعات است»².
- تتبع و گردآوری اطلاعات لازم به دو شیوه صورت می‌گیرد: کتابخانه‌ای و میدانی. در مورد روش کتابخانه‌ای در ادامه توضیح خواهیم داد، اما در مورد روش میدانی باید گفت که در این روش پدیده‌های عینی از طریق مشاهده آنها یا مصاحبه با افراد مطلع یا توزیع پرسش‌نامه میان آنان و یا به نحو بالینی و هم‌زیستی با آنان مورد مطالعه قرار می‌گیرد و از رهگذر آن اطلاعات لازم در زمینه موضوعات تحقیق فراهم می‌شود.

¹. باقر ساروخانی، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ج اول، چاپ هشتم، تهران:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1382، ص 24 و 25.

². جعفر نکونام، روش تحقیق کتابخانه‌ای با تأکید بر علوم اسلامی، چاپ دوم، قم: انتشارات

دانشگاه قم، 1382، ص 2.

انتخاب نوع مطالعه یا روش انجام تحقیق عمدتاً متأثر از ماهیت و نوع سؤالات پژوهشی می‌باشد. در تحقیق حاضر، ما روش اسنادی را برای بررسی خود انتخاب کرده‌ایم. در تعریف مطالعه اسنادی می‌توان این طور گفت: «هنگامی که مطالعه‌ای صرفاً از طریق کتب و یا اسناد و مدارک دیگر به طور با واسطه صورت می‌گیرد، بدان مطالعه اسنادی اطلاق می‌شود.»^۱

و در توضیح این روش، می‌شود گفت: «روش‌های اسنادی در زمره روش‌ها یا سنجه‌های غیر مزاحم و غیر واکنشی به شمار می‌آید. به این دلیل که هنگام استفاده از دیگر روش‌ها نظیر مشاهده، مصاحبه و ... مشکل اساسی، جمع‌آوری اطلاعات است و حال آن که به هنگام کاربرد روش‌های اسنادی، اطلاعات، موجودند. علاوه بر آن، این روش‌ها از مشکلات بزرگی که در تحقیقات آزمایشی یا حتی مصاحبه پیش می‌آید مبری هستند.»^۲

و در روش کتابخانه‌ای هم، کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌ها و دیگر آثار مکتوب که معمولاً در کتابخانه‌های عمومی یا تخصصی موجود است، مورد مراجعه و مطالعه قرار می‌گیرد و مطالبی که به ریز موضوعات تحقیق مرتبط است، یادداشت‌برداری می‌شود.^۳

7-1- روش و ابزار گردآوری اطلاعات

ابزار گردآوری اطلاعات در تحقیق حاضر، فیش‌برداری می‌باشد. با این توضیح که پژوهشگر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای مثل کتب، مقالات، رساله‌ها و ... اطلاعات لازم را به شیوه فیش‌برداری جمع‌آوری کرده و آن گاه آنها را مورد استفاده قرار خواهد داد.

3. باقر ساروخانی، پیشین، ص. 73.

1. همان، ص. 254.

2. جعفر نکونام، پیشین، ص. 2.

1-8- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

با توجه به موضوع تحقیق، تلاش بر این است که فهمی دقیق از آثار حضرت امام پیرامون موضوع مورد بررسی به دست آید. جهت تحقق این امر و با توجه به این که نوشته‌ها و آثار، منعکس کننده افکار و اندیشه آدمیان است، از روش تحلیل متن استفاده نموده‌ایم.

در این روش، سؤالاتی را در برابر متن قرار داده و به جستجوی پاسخ آن در متن مورد نظر می‌گردیم. البته انجام این کار شیوه‌ای ذهنی می‌باشد یعنی محتوای نوشته و متن توسط کسی که آن را مطالعه می‌کند تفسیر می‌گردد که البته سعی می‌شود با حداکثر بی‌طرفی و خودداری از تحریف متن انجام گیرد.

1-9- تعریف مفاهیم

مباحثی که در چارچوب جامعه‌شناسی طبقات و اقشار اجتماعی، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، هرچند هنوز از حدّ و مرز دقیقاً مشخصی برخوردار نیست، اما به دلیل تأثیر مستقیم و غیر مستقیم بر جوانب زندگی روزمره مادی و معنوی افراد، از مباحثی است که همواره مشغله ذهنی عام و خاص بوده است. با مراجعه به متون موجود، به سهولت می‌توان دریافت که رویارویی برده و برده‌دار، رعیت و زمین‌دار، کارگر و کارفرما و در یک عبارت، مستضعف و مستکبر، در قرون مختلف، چه غوغایی در آفاق و افلاک افکنده است و بحث برابری و نابرابری در عرصه‌های مختلف اقتصادی، قومی، نژادی، جنسی و نابرابری میان کشورهای پیشرفته و عقب‌مانده، چه حجم عظیمی از پیام‌های گفتاری و تصویری را در گذشته و امروز جهان به خود اختصاص داده است.

چنین پیشینه طولانی، غنا و تنوع چشمگیری بر محتوا و واژگان و مفاهیم این شاخه از جامعه‌شناسی، بخشیده است که ضمن آنکه امتیازی برای این مبحث به شمار می‌رود، در عین حال در کار تدوین و ارائه منسجم کلیه مباحث و دیدگاه‌ها و مفاهیم، به گونه‌ای که مورد توافق همگان باشد،

دشواری‌هایی پدید آورده است. با این حال، در مجموع، بررسی مباحث و پدیده‌هایی همچون طبقات و اقشار اجتماعی، نابرابری اجتماعی، تحرک اجتماعی و نظایر آنها، جای عمده‌ای را در عرصه جامعه‌شناسی طبقات و اقشار اجتماعی، به خود اختصاص می‌دهند.

کار مفهوم‌پردازی و ارائه تعاریف گوناگون، در جامعه‌شناسی طبقات و اقشار اجتماعی، امری پایان یافته نیست و با گسترش دامنه پژوهش‌ها در این زمینه، دائماً بر تنوع و غنای واژگانی آن افزوده می‌شود.

برای آشنایی و ورود به محتوای هر دانش، راهی جز آشنایی و شناخت مفاهیم و واژگان خاص آن دانش نیست، بر این اساس، در آغاز، برخی از رایجترین و عمده‌ترین مفاهیم و اصطلاحات این بحث را به اختصار تعریف می‌کنیم:

1-9-1- قشر اجتماعی¹

واژه قشر اجتماعی، مدت‌ها پس از واژه طبقه اجتماعی که توسط مارکس و پیشینیان او تعریف شده بود، وارد متون و مباحثات جامعه‌شناسی طبقات اجتماعی گردید. واژه قشر، از زمین‌شناسی وام گرفته شده و از 1940 به بعد، رواج یافته است و موضوعاتی را مورد توجه قرار می‌دهد که پیشتر زیر عنوان طبقات اجتماعی بررسی می‌شد.

و اما قشر اجتماعی چیست و به طور کلی چه ویژگی‌هایی دارد؟ آلن بیرو در فرهنگ علوم اجتماعی، در تعریف مفهوم قشر اجتماعی می‌نویسد: «قشر اجتماعی، مجموعه‌ای است متشکل از تعدادی از اشخاص یا گروه‌هایی که در فرایند قشربندی اجتماعی، در یک سطح، جای یافته‌اند. در زبان جامعه‌شناسی، قشرهای گوناگون اجتماعی، بر روی یکدیگر جای می‌گیرند، در صفت‌هایی (سطوحی) متفاوت جای یافته و با توجه به وضع و موقع خود، مورد قضاوت مجموع افراد جامعه قرار می‌گیرند. دهقانان، کارفرمایان صنعتی، کارگران و کارمندان، تشکیل دهنده قشرهای اجتماعی هستند». در همین مأخذ، در مقایسه طبقه با قشر اجتماعی آمده است: «با در نظر گرفتن قشری که

¹ . Social Stratum

بدان تعلق داریم، تعریف پایگاه و وضع اجتماعی ما، امکان‌پذیر خواهد بود، قشرهای اجتماعی با طبقات اجتماعی یکسان نیستند»^۱.

معمولاً افراد یک قشر اجتماعی، از فرصت‌های زندگی و شیوه‌های زندگی مشابهی برخوردارند و از نوعی آگاهی از موقعیت خود برخوردار هستند.^۲

در مورد قشر، جامعه‌شناسان، تعاریف متفاوتی به دست داده‌اند که مشابه همین مطالبی است که در بالا گذشت و ما به عنوان نمونه به دو تا از آنها اشاره می‌کنیم: در تعریفی که آقای ادیبی در کتاب جامعه‌شناسی طبقات اجتماعی از قشر ارائه داده‌اند قشر، این گونه تعریف شده است: «قشر، دسته‌ای از افراد است که در سلسله مراتب خصوصیات موقتی معینی مثل درآمد، منزلت و شیوه زندگی، مرتبه مشابهی را اشغال می‌کنند»^۳.

و در تعریف دیگر که از تأمین ارائه شده، قشر به صورت زیر تعریف شده است:

«قشر، مجموعه‌ای از پایگاه‌هاست که این پایگاه‌ها در ویژگی بهره‌مندی از مقادیر ثروت، منزلت و

قدرت، بقدر کافی به هم شبیه هستند تا به عنوان یک واحد اجتماعی با آنها رفتار شود»^۴.

بنابراین، قشر را دسته‌هایی از افراد یا مجموعه‌ای از پایگاه‌ها تشکیل می‌دهد که صفت مشخصه آنها، برخورداری نسبتاً یکسان از ارزشهای کمیاب از قبیل ثروت، قدرت و منزلت می‌باشد. البته یک گرایش عمده، در میان جامعه‌شناسانی که در مورد قشر بندی مطالعه می‌کنند وجود دارد که با تأکید بر منزلت اجتماعی، گروه‌هایی را که به لحاظ جایگاه منزلتی به همدیگر شباهت دارند، قشر می‌دانند.

^۲ . آلن بی‌رو، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقرساروخانی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات

کیهان، 1380، ص 383.

^۳ . حسن ملک، پیشین، ص 16.

^۱ . سعید خدابخنده لو، جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی، مشهد: جهاددانشگاهی،

1372، ص 43.

^۲ . همان.

معمولاً جامعه‌شناسان آمریکایی که کشور خود را فاقد طبقه می‌دانند از این گرایش تبعیت می‌کنند. نکته قابل توجه در تعاریف فوق، واحد مبنایی تشکیل دهنده قشر است که در یکی فرد است و در دیگری پایگاه. اگرچه در پایگاه نیز نهایتاً فرد یا شخص است که پایگاه به وی منتسب می‌گردد ولی از آنجایی که در واقع رابطه اجتماعی، بیشتر میان پایگاه‌ها و موقعیت‌های اجتماعی برقرار است تا میان اشخاص، لذا به نظر می‌آید در صورتی که واحد تشکیل دهنده قشر را پایگاه اجتماعی بدانیم به واقعیت نزدیکتر شده‌ایم. بنابراین به طور خلاصه، قشر را می‌توانیم مجموعه‌ای از پایگاه‌های اجتماعی بدانیم که میزان ثروت، قدرت و منزلت منتسب به این پایگاه‌ها تقریباً شبیه به هم بوده و این مجموعه، همچون یک واحد اجتماعی به نظر می‌رسد.¹

1-9-2- قشربندی اجتماعی²

قشربندی اجتماعی، وضعیتی است که افراد را بر پایه برخورداری آنان از کیفیت‌های مطلوب، رتبه‌بندی می‌کند. در جوامع نوین، کیفیت‌های مطلوب عبارتند از تحصیلات خوب، درآمد بالا، ثروت چشم‌گیر و دارا بودن یک شغل آبرومندانه.³

همچنین، در تعریفی از نابرابری اجتماعی گفته شده است که نابرابری اجتماعی عبارت است از وضعیتی که در چارچوب آن، انسان‌ها به منابع باارزش، خدمات و موقعیت‌های جامعه دسترسی دارند. چنین نابرابری هنگامی روی می‌دهد که افراد و گروه‌ها یکدیگر را درجه‌بندی و سپس ارزیابی می‌کنند، ولی از همه مهم‌تر این است که نابرابری اجتماعی در رابطه با موقعیت‌های متفاوت، در ساختار اجتماعی به وجود می‌آید.

³. همان، ص 44.

². Social Stratification

¹. بروس کوئن، درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: فرهنگ معاصر،

نابرابری اجتماعی از تفکیک اجتماعی ناشی می‌شود، از سویی به دلیل توانایی انسان در تفسیر پدیده‌ها و رویدادهاست که سرانجام به ارزیابی وی به صورت خوب، بد و یا ترجیح دادن می‌انجامد. بنابراین ممکن است ویژگی‌های فردی و موقعیت‌ها و یا نقش‌های متفاوت که به گونه‌ای نابرابرند، از بالادست به پایین‌دست درجه‌بندی شوند. در این زمینه، نابرابری اجتماعی به معنی وجهه (پرستیژ) است.

از سوی دیگر، ممکن است تفکیک اجتماعی از دیدگاه نقش‌ها و موقعیت‌ها، برخی افراد را در موقعیتی قرار دهد که دسترسی بیشتری به کالا یا خدمات باارزش داشته باشند؛ در این صورت نابرابری اجتماعی به معنی دسترسی داشتن به امکانات مورد علاقه است و خود دسترسی به امکانات، فرد را در رده‌ای بالاتر قرار می‌دهد.^۱

البته باید گفت نابرابری، علتی است که هم پرستیژ و هم دسترسی به امکانات، را توأمان به همراه دارد. به عقیده بیلتون، قشربندی اجتماعی، تقسیم و تفکیک جامعه به لایه‌ها یا اقشار نابرابر از لحاظ درآمد، ثروت، جنسیت، قدرت، منزلت، سن، مذهب یا برخی ویژگی‌های دیگر است. در این متن، او تأکید می‌کند که قشربندی اجتماعی، پروسه‌ای است که تمامی اشکال نابرابری را در بر می‌گیرد.^۲ منظور تامین از قشربندی اجتماعی، توزیع نابرابر افراد یا گروه‌های اجتماعی بر روی یک «مقیاس موقعیت» است که مراتب این موقعیت‌ها بر چهار معیار قدرت، مالکیت، ارزیابی اجتماعی و پاداش روانی مبتنی است.

پدیده قشربندی با پنج صفت اصلی تعریف شده است:

- 1- قشربندی، خصلتی اجتماعی دارد، یعنی منشأ آن بیرون از فطرت انسان است.
- 2- قشربندی، پدیده‌ای قدیمی است یعنی در تمام جوامع گذشته وجود داشته است.

² . عبدالعلی لهسائی زاده، *نابرابری و قشربندی اجتماعی*، شی‌راز: انتشارات دانشگاه شی‌راز،

- 3- قشربندی، پدیده‌ای جهانی است.
- 4- قشربندی، صورت‌های گوناگون دارد.
- 5- قشربندی مجموعه‌ای از پیامدهای مشخص دارد. یعنی اساساً این چیزها مهم و مطلوب و نایاب در زندگی انسان است که به شیوه‌های نابرابر توزیع می‌شود.¹
دلایلی که خصلت اجتماعی قشربندی را تأیید می‌کند عبارتند از:
 - 1- هر نظام قشربندی، به معیارها و مجوزهایی که جامعه معین کرده است بستگی دارد.
 - 2- هنجارها و ضمانت اجرا، نقش مهمی در ایجاد و حفظ نظام قشربندی ایفا می‌کند.
 - 3- هنجارهای اجتماعی باید از راه جامعه‌پذیری از نسلی به نسل دیگر انتقال یابد.
 - 4- آرایش هر نظام قشربندی، در حال تبدیل دائمی است. از سویی به دلیل درجات متفاوت جامعه‌پذیری در جامعه و از سویی دیگر به دلیل نابرابری میزان زاد و ولد قشرهای مختلف.
 - 5- نظام قشربندی با نظام‌های دیگر جامعه مثل نهادهای سیاسی، آموزشی، اقتصادی، دینی و خانوادگی در وابستگی متقابل است.²

². ملوین تامین، جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی، ترجمه عبدالحسین

نیک گهر، چاپ سوم، تهران: نشر توتی، 1373، ص 21-24.

³. حسن ملک، پیشین، ص 17.

فصل دوم:

ادبیات تحقیق

2-1- پیشینه تاریخی پژوهش

با پیدایش نابرابری در جوامع انسانی، اندیشیدن در باره تفاوت‌های اجتماعی آغاز شد. همگام با تکامل اندیشه بشر، اندیشه‌هایی در باره نابرابری، دلایل و پیامدهای آن نیز به وجود آمد. با پیدایش جوامع نوین، به دلیل ماهیت این جوامع، مسأله قشربندی اجتماعی اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد و اندیشمندان اجتماعی را بر آن داشت که به طور جدی، مسأله نابرابری و قشربندی اجتماعی را بررسی کنند. اگرچه در مورد مسأله قشربندی اجتماعی، اندیشمندان زیادی اعم از اندیشمندان دوره کلاسیک و مدرن، اظهار نظر کرده و کتاب‌ها و مقالات نسبتاً زیادی در این مورد به رشته تحریر درآمده است، اما در رابطه با موضوع تحقیق حاضر کار زیادی صورت نگرفته و به جز دو پایان‌نامه و مقاله به مطلب دیگری در این زمینه دست نیافتیم.

البته یکی از پایان‌نامه‌ها ارتباط مستقیمی با کار ما ندارد و فقط تا حد زیادی نزدیک به موضوع تحقیق ما می‌باشد که ابتدا به طور مختصر به معرفی این کار می‌پردازیم و بعد به موارد مرتبط با تحقیق حاضر پرداخته می‌شود.

تحقیقی با عنوان قشربندی اجتماعی از دیدگاه شهید مطهری می‌باشد که توسط آقای یوسف فتحی در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان در سال 1376 به انجام رسیده است. این رساله در دو بخش تنظیم شده است، در بخش اول، پژوهشگر پس از طرح تحقیق سعی می‌کند برخی مفاهیم اساسی قشربندی اجتماعی و نظرگاه مکتب تضاد و کارکردگرایی و هم چنین دیدگاه اسلام و بعضی متفکران مسلمان را در قبال

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

این موضوع روشن سازد و در بخش دوم، بعد از نگاه کوتاه به برخی اندیشه‌های اجتماعی استاد مطهری به طبقاتی بودن جامعه و قشربندی اجتماعی اشاره می‌شود و نوع جامعه متصور ایشان را تبیین می‌کند.

پژوهشگر، برداشت استاد مطهری از مفاهیم زیر را عوامل اساسی و مؤثر در دیدگاه ایشان تشخیص می‌دهد:

1- جهانی‌بینی 2- فطرت 3- آموزه‌های قرآنی و 4- عدالت اجتماعی.

و نوع جامعه‌ای که براساس این عوامل متصور است عبارت است از:

جامعه دارای قشربندی مطلوب، جامعه طبیعی و جامعه بی‌طبقه اسلامی و در صورتی که این عوامل نباشند

نوع جامعه تبعیضی، دارای قشربندی نامطلوب و جامعه طبقاتی با امتیازات موهوم خواهد بود.

و اما از دو موردی که مربوط به موضوع تحقیق حاضر است یکی، مقاله‌ای است تحت عنوان نگرش امام بر

قشربندی و طبقات اجتماعی که توسط آقای سید جواد طاهایی نگاشته شده و در مجله حضور، شماره پانزدهم

به تاریخ بهار 1375 به چاپ رسیده است. این مقاله به کالبد شکافی فرضیه‌های امام و دیدگاه‌های ایشان در

باره طبقات اجتماعی می‌پردازد.

نویسنده با این سؤال که آیا امام خمینی (ره)، این منادی وحدت میان طبقات و قشرهای اجتماعی، خود به

اندیشه قشربندی و طبقات اجتماعی به عنوان مقولات فکری معتقد بوده است یا خیر؟ بحث را شروع می‌کند و

بعد در ادامه این طور پاسخ می‌دهد که بدیهی است امام خمینی (ره) به تحلیل طبقاتی یا نگرش تعیین کننده در

مورد قشربندی اجتماعی اعتقاد و تعهدی نداشت، لکن آیا این عدم وابستگی به معنای فقدان هر گونه تصور و

اندیشه در باره گوناگونی طبقات جامعه و شکاف‌های اجتماعی در نزد ایشان است؟ غیرممکن بود امام رهبر یک

انقلاب اجتماعی تمام عیار در ایران باشد بدون آن که جامعه ایرانی را به خوبی بشناسد و نمی‌توانست جامعه

ایرانی را بشناسد، مگر آن که ادراک و تصورات صحیحی در مورد شکاف‌ها، گوناگونی‌ها و ساختارهای سلسله

مراتب در این جامعه داشته باشد، پس باید گفت با توجه به آن چه در ایران گذشت و با عنایت به درک صحیح

حضرت امام از مسائل اجتماعی، ایشان جامعه ایرانی را عمیقاً می‌شناخت، این شناخت در فحوای عمومی کلام

امام خمینی (ره) نیز قابل درک است. از همین رو واضح است که از شکاف‌های این جامعه نیز باخبر بوده است.

نویسنده قبل از ورود در این بحث، با عنوان تمهید نظری مطالبی در مورد قشربندی اجتماعی، طبقات اجتماعی و نظریه‌های مختلف در باره سلسله مراتب اجتماعی بیان می‌دارد.

و سپس در ادامه به بیان دیدگاه‌های امام خمینی (ره) در این زمینه می‌پردازد که به طور مختصر به آن اشاره می‌کنیم:

برای فهم دیدگاه‌های امام در باره تنوع‌های مربوط به سلسله مراتب اجتماعی ابتدا باید سامانی نظری را مورد توجه قرار دهیم.

در سطح نظری، مطلوب حضرت امام آن است که گروه‌های اجتماعی هر یک به تنهایی تجسم ایمان باشند و از مجموع آنها جامعه‌ای ایمانی پدید آید. با توجه به گروه‌ها یا طبقاتی که امام معمولاً از آنها نام می‌برد می‌توان نتیجه گرفت رتبه‌بندی‌های اجتماعی در نظر ایشان به طور عمده در سه مقوله اقتصادی، سیاسی و علمی جای می‌گیرد.

نویسنده در ادامه اضافه می‌کند که فهم دقیق‌تر اندیشه حضرت امام در مورد رتبه‌بندی‌های اجتماعی، بدون ارجاع آن به دو مقوله انقلاب اسلامی و رهبری آن از یک سو، و جایگاه و موقعیت اجتماعی آن حضرت به عنوان عالم روحانی ممکن نمی‌گردد. تلقی حضرت امام از قشرها و طبقات اجتماعی، بسیار متأثر از تحولات بعد از انقلاب است. برای حضرت امام گروه‌های اجتماعی به صورت متمایز از جامعه به گونه‌ای که مستقل از آن باشند، معنایی ندارد، در نظر امام طبقات، عرصه تجلی جامعه هستند نه عامل تفکیک آن، آنها اجزای لازم جامعه کل هستند و به رغم گوناگونی‌های صورتی در خدمت نظم کل هستند. بر این اساس می‌توان دیدگاه امام را به اندیشه مسلط در تبیین قشربندی اجتماعی در جامعه‌شناسی پیوند داد و این گونه تحلیل کرد که در نظر امام، قشربندی‌های اجتماعی دارای الزام کارکردی لازم، به جا و عاری از کشمکش‌ها بر سر منافع طبقاتی هستند. از این رو می‌توان دیدگاه حضرت امام را در باره قشرها و طبقات اجتماعی، کما بیش به دیدگاه فونکسیونالیستی نزدیک دانست.

در ادامه، نویسنده به نگرش سیاسی امام خمینی (ره) به قشرها و طبقات اجتماعی می‌پردازد و در انتها با ذکر

چند نتیجه مقاله را به پایان می‌برد از جمله این که در سطح تحلیل صرفاً جامعه شناسانه، امام قشرها و طبقات را به صورت بخش‌هایی تام و واحد محسوب می‌دارد، اما در سطح تحلیل سیاسی، امام گروه‌ها و طبقات را بخش‌هایی از ملت یعنی بدون توجه به هویت‌های مستقل آنها در نظر می‌گیرند.

همان طور که ذکر شد این کار در حد یک مقاله نگاشته شده و اگرچه به برخی از زوایای بحث قشربندی اجتماعی از دیدگاه امام خمینی(ره) پرداخته است اما با توجه به این که کار ما در سطح پایان‌نامه است طبعاً به جهات دیگری از این مسأله هم در آن اشاره شده است که در حوصله یک مقاله نمی‌باشد.

کار سومی که در این جا مورد بررسی قرار می‌دهیم پایان‌نامه‌ای است تحت عنوان بررسی دیدگاه‌های امام خمینی و دکتر شریعتی در باره نابرابری اجتماعی که توسط آقای علی محمد قدسی در دانشگاه تربیت مدرس در سال 1374 به انجام رسیده است.

هدف اصلی این مطالعه، بررسی نابرابری اجتماعی از دیدگاه امام خمینی و دکتر شریعتی است. در این تحقیق با استفاده از دیدگاه‌های کارکردی و تضاد و نیز دیدگاه اسلام در باره نابرابری به تبیین نابرابری از دیدگاه این دو شخصیت پرداخته است.

روش تحقیق در این مطالعه توصیفی است. نتایج تحقیق که مبتنی بر روش تحلیل متن است به شرح زیر

است:

امام خمینی(ره) براساس تعریفی که از طبقه ارائه می‌دهد سه طبقه بالا، پایین و متوسط را در جامعه تشخیص می‌دهد، هم چنین امام خمینی(ره) براساس وجود عامل استعمار معتقد به دو طبقه ظالم و مظلوم در جوامع می‌باشد. امام خمینی(ره) عوامل موجد نابرابری در جوامع را عبارت از استعمار، سرمایه‌داری، عدم رعایت احکام دین در پرداخت مالیات‌های اسلامی و حرص و آز انسان نسبت به قدرت و ثروت برمی‌شمارد.

امام خمینی(ره) در دیدگاه خود معتقد به وجود طبقات در جامعه است و سطحی از نابرابری که مبتنی بر کار و تلاش افرادی که دارای استعداد و توانایی متفاوت‌اند و در صورتی که درآمدهای ناشی از کار آنها در چارچوب قانون شرع قرار داشته باشد، را قبول دارند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

امام خمینی(ره) مکانیزم‌های مواجهه با نابرابری را در روی آوردن به اسلام ناب محمدی، آگاهی دادن به افراد جامعه، مبارزه با حکومت‌های استعماری و دادن مالیات‌های اسلامی و توزیع مجدد ثروت توسط این مالیات‌ها می‌داند.

ایدئولوژی مورد نظر امام، اسلام ناب محمدی و مخاطبین آن محرومین و مستضعفین هستند. با توجه به موضوع تحقیق‌ما، نتایجی که در مورد دیدگاه دکتر شریعتی به دست آمده بود در این جا ذکر نکردیم.

همان طور که بیان شد این مطالعه به صورت مقایسه‌ای بین دیدگاه امام خمینی(ره) و دکتر شریعتی انجام شده است. ولی تحقیق حاضر صرفاً به دیدگاه امام خمینی(ره) پرداخته است و به طور کامل تری به مسأله پرداخته است. اگرچه این مطالعه به بعضی از زوایای بحث در مورد مسأله قشربندی اجتماعی از دیدگاه امام خمینی(ره) توجه نموده و مطالبی را بیان نموده اما تحقیق حاضر در جهت تکمیل آن به مواردی از قبیل مبانی و ریشه‌های فکری امام و عدالت اجتماعی از دیدگاه امام خمینی(ره) اشاره کرده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد